
A Reappraisal of the Principles and Indicators of the “Sustainable Community” to Apply It to the Urbanism of Islamic World in the Age of Globalization

Maryam Roosta^{*}

Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran

(Received 3 Apr 2020, Accepted 9 Jun 2020)

In the historical study of the Muslim urban tradition, a primary features is the physical manifestation of Islam’s “social dimensions” and, in particular, the key concept of “the Ummah.” In the process of transformations induced by “globalization,” the social layer of cities and the physical implications of it appear to be among the layers affected by several factors. In the last two decades, the social aspect of the sustainable development, termed as “social sustainability” and deemed by experts as the most important dimension and the ultimate goal of sustainability, is a concept that through a more precise understanding of its indices one can achieve the characteristics of a “sustainable society” to apply it to urban planning and designing. This article seeks to redefine indicators of the concept of “sustainable society” by studying the social dimensions of the tradition of urbanization of Muslims in a comparative approach, while analyzing the “social” effects of globalization on the city, and defining a “local” and “strategic” framework. The main research questions were: What are the most important social challenges of globalization in cities? How can the social principles of Islam and its emergence in the tradition of Muslim urbanization, on the one hand, and sustainable local community indicators, on the other, be used to meet the social challenges of globalization in cities? In addition to these two main questions, another sub-question was raised: To what extent are the social principles of Islam and the principles of a sustainable local community analogous in the conceptual framework of sustainable development? The study adopts an “interpretative” approach and uses the “quality” strategy and the “content analysis”

method and “rational reasoning” to analyze the data deriving from documentary studies. After reviewing the social dimensions of globalization in cities, while adapting the spatial indices of the “sustainable community” and the socio-spatial aspects of the urbanization tradition of Muslims, a conceptual and strategic framework in line with the social challenges of globalization for use in urban design guidance documents was presented. To answer the second question, scholarly views on the principles and indicators of a sustainable community, on the one hand, and the social principles of Islam and its manifestation on the historical tradition of Muslim urbanization, on the other, were studied. Meanwhile, in order to answer the research sub-question, the two conceptual areas were aligned. According to this analysis, Islam’s recommendation of “strong social relationships” has the most to do with sustainable community indicators. Also, “Strong neighborhood relationships”, “Social supervision” and “Practicing Islamic social rules” as the most important social principles of Islam in exposure with social challenges of globalization was explained. This paper presents a conceptual and strategic framework for addressing the social challenges of globalization in cities using the corresponding social principles of Islam, as well as relevant indicators of sustainable local community, for application in urban design and planning. In future research, quantification of these strategies will be followed up by quantitative methods of field and case studies.

Keywords: Sustainable Community, Globalization, Social principles of Islam, Muslims Urbanism Tradition.

^{*} Corresponding author. E-mail: m-roosta@shirazu.ac.ir



بازنگری اصول و شاخص‌های «اجتماع پایدار» به‌منظور کاربست در شهرسازی جوامع اسلامی در عصر جهانی‌شدن

مریم روستا*

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۰۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۰۲)

چکیده

در بررسی تاریخی سنت شهرسازی مسلمانان، یکی از مهم‌ترین بارزها، تجلی کالبدی مفهوم کلیدی «امت» است. به نظر می‌رسد در فرآیند دگرگونی‌های حاصل از «جهانی‌شدن» نیز یکی از لایه‌هایی که دست‌خوش تأثیرات بسیار شده‌است و خواهد شد، لایه اجتماعی شهرها و اقتضائات کالبدی حاصل از آن باشد. در دو دهه اخیر، وجه اجتماعی «توسعه پایدار»، مفهومی است که شناخت دقیق‌تر شاخص‌های آن می‌تواند ویژگی‌های یک «اجتماع پایدار» را به‌منظور کاربرد در برنامه‌ریزی و طراحی شهر به دست دهد. این نوشتار در پی آن است که ضمن بررسی تأثیرات «اجتماعی» جهانی‌شدن بر شهر، شاخص‌های حاصل از مفهوم «اجتماع پایدار» را به کمک خوانش ابعاد اجتماعی سنت شهرسازی مسلمانان و با رویکردی تطبیقی، بازتعریف نماید و چارچوبی «محلی» و «راهبردی» به‌منظور مواجهه با این چالش‌ها در طراحی و برنامه‌ریزی شهری ارائه کند. رویکرد پژوهشی این مقاله، «تفسیری» است و از راهبرد «کیفی» به‌منظور تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات اسنادی استفاده شده است. به کمک این روش‌ها، ضمن تبیین شش چالش اصلی اجتماعی جهانی‌شدن؛ «یکنواختی فرهنگی»، «ظهور جامعه شبکه‌ای»، «اجتماعات فراملی»، «روابط مجازی»، «شهروندی جهانی» و «تضعیف ارزش‌های بومی و محلی»، راهکارهایی برگرفته از اصول اجتماعی اسلام و سنت شهرسازی مسلمانان و نیز اصول اجتماعی «توسعه پایدار» برای این چالش‌ها ارائه شده‌است. در چارچوب نظری ارائه شده، «روابط مستحکم اجتماعی»، «روابط مستحکم همسایگی»، «نظارت اجتماعی» و «عمل به شرایع اجتماعی اسلام» به‌عنوان مهم‌ترین اصول اجتماعی اسلام در رؤیایی با چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن، طرح شده‌اند و بارزهای آن در سنت شهرسازی مسلمانان تبیین شده و با اصول پایداری اجتماعی تطبیق داده شده است.

واژگان کلیدی

اجتماع پایدار، جهانی‌شدن، امت، شهرسازی جوامع اسلامی.

*نویسنده مسئول مکاتبات: m-roosta@shirazu.ac.ir

مقدمه

اسلام، به عنوان دینی که بنیان خود را بر اجتماع قرار داده و در هیچ شأنی از شئون بشری، مسئله اجتماع را مهمل نگذاشته (Tabatabaee 1996, 254)، تأثیراتی بر سنت شهرسازی مسلمانان در چهارده قرن اخیر داشته است که با مرور این سنت‌ها و دلالت‌های آن در ابعاد اجتماعی، می‌توان به راهبردهای شهرسازانه‌ای برای کاربری در شهرسازی جوامع اسلامی در عصر حاضر، دست یافت. به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از اصول اجتماعی اسلام و تأثیرات آن بر سنت شهرسازی مسلمانان، قابل تطبیق با «اصول اجتماعی توسعه پایدار» و شاخص‌های آن در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی شهری باشد. این نوشتار در پی آن است که با مطالعه سه حوزه نظری «ابعاد اجتماعی جهانی شدن»، «اصول و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار» و «اصول اجتماعی اسلام و تجلی آن در سنت شهرسازی مسلمانان» و به کمک اصول اجتماعی اسلام و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار، چهارچوبی مفهومی و راهبردی به منظور مواجهه با چالش‌های اجتماعی جهانی شدن در شهرها تدوین کند.

سؤالات اصلی این پژوهش، به این صورت قابل طرح است؛ مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی جهانی شدن در شهرها کدام است؟ چگونه می‌توان از اصول اجتماعی اسلام و بروز آن در سنت شهرسازی مسلمانان و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار به منظور مواجهه با این چالش‌ها در طراحی و برنامه‌ریزی شهری بهره گرفت؟ در ضمن این دو سؤال اصلی، پرسش فرعی دیگری نیز مدنظر این پژوهش است که «اصول اجتماعی اسلام» و شاخص‌های یک «اجتماع محلی پایدار» در چهارچوب مفهومی توسعه پایدار تا چه میزان در تشابه و اشتراک با هم قرار دارند؟

کتابخانه‌ای لازم جمع‌آوری شده و به کمک راهبرد «کیفی» و روش‌های «تحلیل محتوای کیفی» و نیز «استدلال منطقی»، این داده‌ها تا رسیدن به یافته‌های موردنظر و پاسخ به پرسش‌های

جهانی شدن همراه با الزامات آن یعنی انقلاب اطلاعات، فناوری ارتباطات، مجازی‌سازی، خصوصی‌سازی و اقتصاد و جامعه شبکه‌ای، جریانی ظهور یافته در دهه‌های اخیر است که بسیاری از شهرهای دنیا را تحت تأثیر قرار داده است یا خواهد داد. این جریان، در قیاس با تغییرات تکاملی دوره‌های پیشین شهر، در مقیاس یک دگرگونی انقلابی به نظر می‌رسد و در کل، متفاوت با گذشته است.

صحبت از شهرهای جهانی و چندفرهنگی است، صحبت از بین‌المللی شدن و جهان‌وطن‌گرایی است، صحبت از تکرر هویت‌ها، تفرکات ارتباطی جدید و هویت ریزومی^۱ است. صحبت از شهرهایی با بافت الکترونیکی و اطلاعاتی به جای بافت کالبدی است (Daneshpour et al. 2014, 225). جایی که به گفته کاستلز، تکنولوژی اطلاعات، سبب آزادسازی فعالیت‌ها از قید محیط شده است (Castells 2002).

این جریان هم‌زمان با رواج گفت‌وگوهای توسعه پایدار در دنیا و به تبع آن در حوزه‌های شهرسازی، چالش‌ها و تناقض‌هایی را ایجاد کرده که لازم است در قالب پژوهش‌های علمی به آن پرداخته شود. تحقق بُعد اجتماعی توسعه پایدار که از آن به عنوان «پایداری اجتماعی» یاد می‌شود و هدف غایی آن نیل به یک «اجتماع محلی پایدار»^۲ است، الزامات، شاخص‌ها و بایسته‌هایی دارد که در تناظر با ابعاد اجتماعی جهانی شدن باید موردبررسی قرار گیرد. در پژوهش‌های شهرسازی، بُعد اجتماعی توسعه پایدار و درواقع «پایداری اجتماعی»، به عنوان قابلیت یک محیط شهری، به منظور استمرار حضور یکپارچه، عادلانه و همه‌شمول گروه‌های مختلف اجتماعی در شهر و تعامل سالم آن‌ها در این محیط‌ها، تعریف و تبیین شده است.

۱. روش پژوهش

رویکرد این پژوهش در روش‌شناسی، «تفسیرگرایی» است و به منظور پاسخ به این پرسش‌ها، داده‌های اسنادی و

پژوهش، در چند مرحله تحلیل شده‌اند.

«تحلیل محتوای کیفی»، نوعی روش تحقیق در خدمت تفسیر ذهنی محتوایی داده‌ها از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای مشخص است که «نظریه‌پردازی» به جای «آزمون نظریه» از ویژگی‌های بنیادی آن محسوب می‌شود (Hsieh & Shanon 2005, 1281).

۲. مبانی نظری

۲-۱. جهانی‌شدن و چالش‌های اجتماعی آن برای

شهر

جهانی‌شدن واقعیت اجتماعی گریزناپذیری ارزیابی می‌شود که در آینده‌ای نه‌چندان دور همه جوامع انسانی و مستقل و مجزا از هم را فرا خواهد گرفت و پیش‌بینی می‌شود که در نتیجه گسترش آن، نظام فرهنگی-اجتماعی مشترک و درعین حال تکثرگرایی بر جهان حاکم شود که ساختارهای فرهنگی-اجتماعی متنوعی را در چارچوب یک آگاهی مشترک جهانی‌شده پوشش می‌دهد (Latifi, and Davoodvandi 2009, 189).

از نظر «مالکوم واترز»، جهانی‌شدن فرآیندی اجتماعی است که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده‌ای از کاهش این قیدوبندها آگاه می‌شوند (Waters 2000, 12). آنتونی گیدنز، جهانی‌شدن را موجب پیوند مکان‌های دور از هم و تأثیرگذاری حوادث و رویدادهای سراسر جهان بر یکدیگر می‌داند (Pourahmad et al. 30).

در ابعاد اجتماعی و فرهنگی، دو تلقی عمده، از جهانی‌شدن وجود دارد. تلقی غالب، به وجود آمدن یک فرهنگ فراگیر برای همه ملت‌های جهان است که با همه فرهنگ‌های محلی، ملی و قاره‌ای موجود، متفاوت به نظر می‌رسد. فرهنگی که به‌موازات گسترش و تعمیق آن، فرهنگ‌های بومی به‌تدریج روبه‌زوال می‌روند. برداشت دوم، برداشتی است که جهانی‌شدن را معادل با قربانی‌شدن فرهنگ‌های محلی نمی‌داند. صاحب‌نظران این دسته، معتقد

هستند در شرایط جهانی‌شدن، بسیاری از شاخص‌های بومی و محلی برجسته‌تر می‌شوند و در بوم‌گاه‌های محلی تجلی می‌یابند (Pishgahifar 2001, 158).

پوراحمد و همکاران، افزایش به هم‌پیوستگی و ارتباطات فردی و اجتماعی در گستره جهانی و ارتقاء مقیاس تأثیر فعالیت‌ها و عملکردهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سطح جهانی را از ویژگی‌های جهانی‌شدن در بعد اجتماعی می‌دانند (Pourahmad et al. 2011, 32).

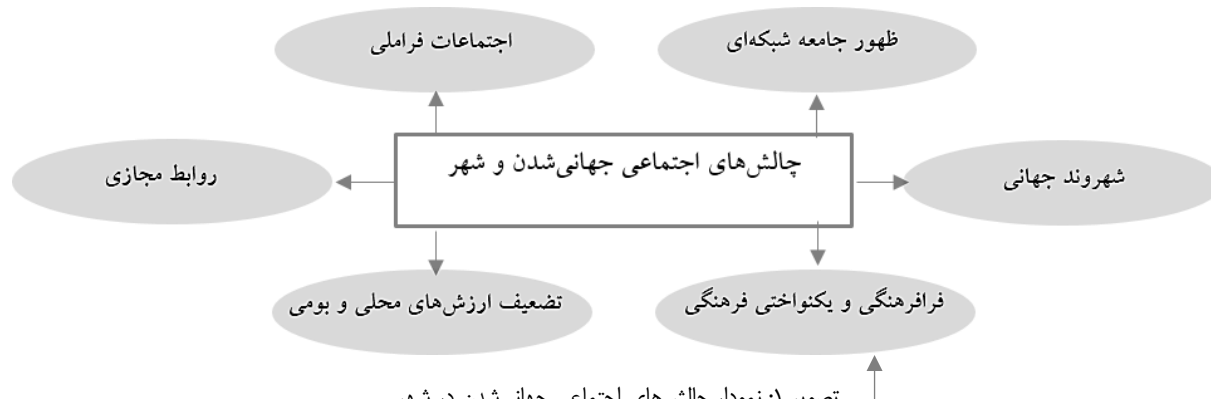
فرانک وبستر، با اندکی مسامحه، جامعه جدید را جامعه اطلاعاتی می‌خواند. او به بحث راجع به ویژگی‌های این جامعه می‌پردازد و با استفاده از نظریات اندیشمندان این حوزه، یادآور می‌شود که در جامعه جدید، اطلاعات، رکن اساسی جامعه است (Webster 2001).

مانوئل کاستلز نیز با مهم دانستن نقش و جایگاه اطلاعات، از ظهور جامعه شبکه‌ای خبر می‌دهد. استدلال اصلی کاستلز در کتاب «عصر اطلاعات» آن است که جهان جدید به‌صورت یک شبکه درآمده است، شبکه‌ای که تاروپود آن را اطلاعات و نظام ارتباطات الکترونیک تشکیل می‌دهد (Castells 2002).

تاملینسون با طرح ایده «جهان‌وطنی»^۳، آن را به معنی شهروند جهانی‌بودن و داشتن مشربنی فرهنگی می‌داند که به علایق محلی محدود نمی‌شود بلکه تعلق، دخالت و مسئولیت جهانی را به رسمیت می‌شناسد (Tomlinson 2014, 78).

دانشپور و همکاران، در پژوهش خود ضمن اشاره به نقش مهاجرت جهان‌شهرها، گذر از اجتماعات محلی به‌سوی اجتماعات فرا ملی را از ویژگی‌های شهر در عصر جهانی‌شدن می‌دانند. آن‌ها ضمن تأکید بر پارادوکسیکال بودن مفهوم «جهانی‌شدن»، اشاره دارند که این موضوع، از یک‌سو با فرهنگ واحد جهانی و فرهنگ جمعی که یکنواختی و یک‌شکلی مکان‌ها را با خود دارد، همراه است و از دیگر سو با تأکید بر ویژگی‌های محلی سعی بر کثرت‌مداری و چندشکلی بودن دارد (Daneshpour et al. 2014, 224).

در فضای شهر جهانی امروز و تحت تأثیر فضاهای اطلاعاتی، صحبت از فرهنگ واقعیت مجازی^۴ است که در آن هویت، در چارچوب انتقال نمادها به وسیله واسطه‌های



تصویر ۱: نمودار چالش‌های اجتماعی جهانی شدن در شهر
Fig. 1: Social Challenges of Globalization in the City

اجتماعی»، «عدالت اجتماعی» و «شمولیت اجتماعی» را از مفاهیم کلیدی و مرتبط با «پایداری اجتماعی» می‌دانند (Hemani & Das 2015, 174; Mazumdar et al. 2017, 125; Bramley & Power 2009, 34).

کلانتونیو، معیارهای پایداری اجتماعی را تساوی، شمولیت، انعطاف‌پذیری و ایمنی برمی‌شمرد (Colantoni, 2009, 56). بریملی و پاور، دو بعد کلیدی پایداری اجتماعی را تساوی اجتماعی و پایداری اجتماع محلی می‌دانند. آن‌ها امکان دسترسی همگانی به انواع خدمات و کاربری‌های محلی را به‌عنوان مهم‌ترین شاخص تساوی اجتماعی در توسعه‌های شهری معرفی می‌کنند و تعامل با ساکنان، مشارکت در مجموعه‌ای از فعالیت‌های جامعه محلی، حس تعلق به اجتماع محلی، ثبات سکونت و ایمنی را از شاخص‌های پایداری اجتماع محلی می‌دانند (Bramley & Power 2009, 35).

چان و لی، در پژوهش خود ضمن مرور ادبیات، مهم‌ترین شاخص‌های ذکرشده به‌منظور ارتقاء پایداری اجتماعی در توسعه‌های شهری را در شش دسته خلاصه می‌کنند: تدارک زیرساخت‌های اجتماعی، در دسترس‌بودن فرصت‌های شغلی، دسترسی، طراحی منظر شهری، حفاظت از ویژگی‌های متمایز محلی و توانایی تحقق نیازهای روان‌شناختی (Chan & Lee 2008, 252). یانگ، چان و زو، در پژوهشی در شانگهای، عوامل مؤثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی را چنین برمی‌شمارند: تدارک فرصت‌هایی برای درگیر شدن در موقعیت‌های عمومی و اجتماعی، مشارکت

الکترونیک مطرح می‌شود که به وجود آمدن چندگانگی فرهنگی و نوعی فرافرهنگ و ظهور انسان‌هایی با هویت مرکب، از نتایج آن است. به تبع این آمیختگی زبانی و نژادی، هویت فضاهای شهری به‌عنوان صورتی از مکان و به‌عنوان عاملی وابسته به هویت افراد، دگرگون می‌شود (Castells, 2002, 152).

در نمودار تصویر شماره ۱، چالش‌های اجتماعی جهانی شدن برای شهرها در مرور ادبیات، به‌صورت خلاصه آمده است. همان‌گونه که در این نمودار دیده می‌شود؛ ظهور جامعه شبکه‌ای، اجتماعات فراملی در مقابل اجتماعات محلی، روابط مجازی، تضعیف ارزش‌های محلی و بومی، فرافرهنگی و یکنواختی فرهنگی و شهروندیت جهانی، از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی جهانی شدن برای شهرها محسوب می‌شوند.

۲-۲. شهرسازی و اجتماع محلی پایدار

عنوان «اجتماع پایدار»^۳ برای اولین بار در قالب چهارچوب مفهومی توسعه پایدار و بعد اجتماعی آن یعنی «پایداری اجتماعی»^۴ مطرح شد. اگرچه «پایداری اجتماعی» مفهومی در حوزه علوم اجتماعی محسوب می‌شود، اما دستیابی به آن و تحقق «اجتماع پایدار» مستلزم تلاشی میان‌رشته‌ای است. در این میان، دانش‌های محیطی از جمله شهرسازی نیز با بسترسازی محیطی در جهت نیل به یک اجتماع پایدار، نقش بسزایی ایفا می‌کنند. در پژوهش‌ها، چهار مفهوم «سرمایه اجتماعی»، «انسجام

اجتماعی، حفظ هویت فرهنگی و حافظهٔ جمعی مشترک، حفظ معانی مشخص، ارتقاء حس مکان و فرهنگ محلی، حفظ شرایط مناسب فیزیکی در راستای فرهنگ‌سازی و آموزش (Yung, Chan & XU 2011, 98).

در دو منبع حاصل از پژوهش‌هایی در هند، پژوهشگران، ضمن مرور ادبیات، پایداری اجتماعی را در پنج عامل؛ تعامل اجتماعی، اعتماد متقابل، حس افتخار و تعلق به مکان، مشارکت اجتماعی و احساس امنیت خلاصه می‌کنند (Hemani, Das & Chowdhury 2016, 172; Hemani & Das 2015, 22). اکتای نیز در پژوهشی در شهرهای ترکیه، از افزایش تراکم، اختلاط کاربری، ارتقاء حمل‌ونقل پایدار، بهبود وضعیت فضاهای باز شهری، تلفیق محیط شهری با طبیعت و توسعه اجتماع محلی، به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های مؤثر بر بهبود پایداری اجتماعی در طراحی شهری یاد می‌کند (Oktay 2004, 28).

مؤسسه ODPM در پژوهشی، یک اجتماع محلی پایدار را دارای هشت ویژگی می‌داند: فعال، همه‌شمول، امن، اداره و اجرای خوب، حساسیت بالای محیطی، طراحی و ساخت خوب، ارتباطات خوب، پیشرفت اقتصادی، خدمات خوب، شرایط عادلانه برای همه (ODPM 2006, 46).

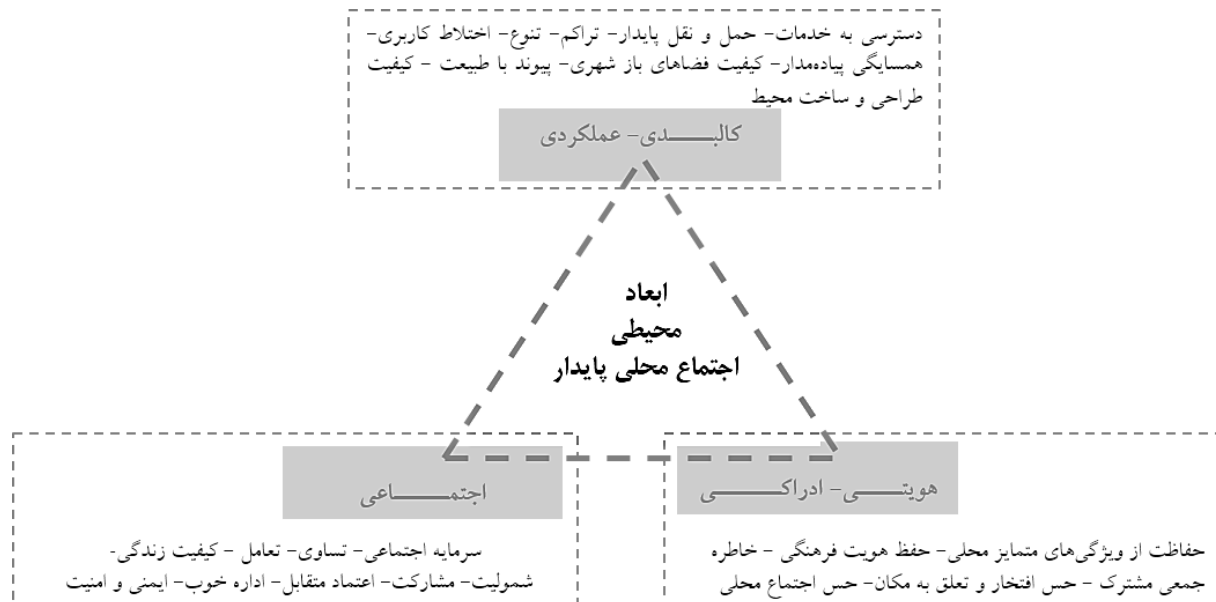
انجمن خدمات اجتماعی غرب استرالیا، ویژگی‌های یک اجتماع محلی پایدار را چنین برمی‌شمارد: تساوی، تنوع، ارتباط درونی، کیفیت زندگی و دموکراسی (Barron & Gauntlett 2002, 67).

پارتریج، کیفیت زندگی، تساوی، شمولیت، دسترسی و فرآیندهای مشارکتی را از ویژگی‌های یک اجتماع محلی پایدار می‌داند (Partridge 2005, 138). آرنلد و رونالد نیز، سه شاخص اصلی یک اجتماع محلی پایدار را سرمایه اجتماعی، حس اجتماع محلی و رضایت از محیط سکونتی می‌دانند (Arundel & Ronald 2015, 28).

جدول ۱: ابعاد و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار در مرور ادبیات

Table 1: Sustainable Community Dimensions and Indicators in Literature Review

نام پژوهش‌گر	سال پژوهش	ابعاد و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار
۱	Barron and Gauntlett 2002	تساوی - تنوع - ارتباط درونی - کیفیت زندگی - دموکراسی
۲	Oktay 2004	افزایش تراکم - اختلاط کاربری - ارتقاء حمل‌ونقل پایدار - بهبود وضعیت فضاهای باز شهری - تلفیق محیط شهری با طبیعت - توسعه اجتماع محلی
۳	Partridge 2005	کیفیت زندگی - تساوی - شمولیت - دسترسی - فرآیندهای مشارکتی
۴	ODPM 2006	فعال - همه‌شمول - امن - اداره و اجرای خوب - حساسیت بالای محیطی - طراحی و ساخت خوب - ارتباطات خوب - پیشرفت اقتصادی - خدمات خوب - شرایط عادلانه برای همه
۵	Chan and Lee 2008	تدارک زیرساخت‌های اجتماعی - در دسترس بودن فرصت‌های شغلی - دسترسی - طراحی منظر شهری - حفاظت از ویژگی‌های متمایز محلی - توانایی تحقق نیازهای روان‌شناختی
۶	Bramley and Power 2009	تعامل با ساکنان - مشارکت در جامعه محلی - حس تعلق به اجتماع محلی - ثبات سکونتی - ایمنی
۷	Dempsey et al. 2009	قلمرو عمومی جذاب - مسکن خوب - کیفیت مطلوب - محیط محلی دسترسی‌پذیر - همسایگی پیاده‌مدار
۸	Colantonio 2009	تساوی، شمولیت، انعطاف‌پذیری و ایمنی
۹	Yung, Chan and Xu 2011	تدارک فرصت‌هایی برای درگیر شدن در موقعیت‌های اجتماعی - مشارکت اجتماعی - حفظ هویت فرهنگی و حافظه جمعی مشترک - حفظ معانی متمایز - ارتقاء حس مکان و فرهنگ محلی - حفظ شرایط مناسب فیزیکی در راستای فرهنگ‌سازی و آموزش
۱۰	Arundel and Ronald 2015	سرمایه اجتماعی - رضایت از محیط سکونتی - حس اجتماع محلی
۱۱	Hemani and Das 2015	تعامل اجتماعی، اعتماد متقابل، حس افتخار و تعلق به مکان، مشارکت اجتماعی و احساس امنیت



تصویر ۲: ابعاد محیطی یک اجتماع محلی پایدار
Fig. 2: Environmental Dimensions of a Sustainable Community

دیگر بر روابط خویشاوندی متکی نبود بلکه از اعتقادات مشترک دینی برمی‌خاست (Izutsu 2001, 96). اصول اجتماعی اسلام، بر شکل شهرهای مسلمانان تأثیر بسیار گذاشته است تا آن‌جا که برخی معتقد هستند وجوه متمایزکننده شهرهای مسلمانان با غیر آن، عمدتاً در خصایص اجتماعی جامعه شهری ساکن در شهرهای اسلامی و غربی است (Pourahmad & Mousavi 2010, 2).

تحقق مفهوم کلیدی «امت» در شهرها و جوامع اسلامی مستلزم توجه و پایبندی به اصول و دستوراتی است که در هفت دسته زیر به آن اشاره شده و تجلیات آن در شهرسازی نیز آمده است:

الف) روابط مستحکم و تعاملات اجتماعی: اسلام به روابط اجتماعی به‌منظور کاهش انزوای مردم از دیگران و به زندگی اجتماعی، در مقیاسی وسیع‌تر و گروهی تشویق می‌کند. «مصابره» و «مراپه» دو مفهوم و دستور قرآنی هستند که به هدف استحکام روابط اجتماعی در جامعه اسلامی به آن‌ها توصیه شده است.

یکی از مظاهر نشان‌دهنده هم‌بستگی در شهرهای مسلمانان، وجود محله‌های مشخص و هویت‌مند است. پیامبر اسلام «خطاط» (محلات یا بخش‌ها) را به قبایلی با پیشینه‌های قومی متفاوت، باوجود همگن بودن، بدون توجه

در جدول شماره ۱، نظرات پژوهشگران مختلف از یازده منبع مختلف در باب ابعاد اجتماع محلی پایدار آمده است. خلاصه شاخص‌های ارائه‌شده برای یک اجتماع محلی پایدار در پژوهش‌های مختلف پس از تحلیل و خلاصه‌سازی و حذف کدهای تکراری، در قالب بیست و سه شاخص و با تفکیک در سه بعد: «عملکردی- کالبدی»، «هویتي- ادراکي» و «اجتماعي» در تصویر زیر ارائه شده است (تصویر ۲).

۲-۳. اصول اجتماعی اسلام و شهرسازی مسلمانان
مونگومری وات در کتاب اسلام و تکامل وحدت جامعه، بیان می‌کند: نامی که انسان‌ها یا مکاتب حاکم بر زندگی‌شان بر جامعه خود می‌گذارند، مبین بینش و تلقی آن‌ها از زندگی اجتماعی است و برای فهم تلقی اسلام از جامعه، باید ریشه‌های لغوی «امت» را کنجکاوی کرد (Shariati 1998, 36). شریعتی مفهوم امت را بسیار موقتی‌تر و پویاتر از سایر مفاهیم، در این حوزه می‌بیند. وی تصریح می‌کند که سایر اصطلاحات مشابه، ایستا هستند و تنها «امت» است که پویا به نظر می‌رسد.

ایزوتسو معتقد است «امت» با هر چیز مرتبط با فرهنگ اسلامی، ارتباط دارد. قرآن بر مبنای «امت»، اندیشه‌ای تازه را در خصوص وحدت اجتماعی عرضه کرد که این وحدت،

به دارایی یا تنگدستی ایشان می‌بخشیدند (Hakim 2002, 76).
فرم شهری محیط مصنوع مسلمانان، به‌طور عمده برای دستیابی به اصول اسلامی در تعاملات اجتماعی و روابط قوی مردمی کمک می‌کرد. تعامل اجتماعی و وحدت، به‌عنوان اصول کلیدی چارچوب اجتماعی اسلام، منجر به ایجاد تراکم شهری در مناطق مسکونی می‌شدند. «س.بیانکا» معتقد است تراکم کالبدی در شهرهای سنتی اسلامی تنها به‌منظور فشرده‌سازی فضایی نیست، بلکه ارتباط اجتماعی به‌هم‌پیوسته نیز در این اصل، سهمیم هستند (Mortada 2007, 117). عثمان نیز معتقد است اثر این فشرده‌گی خیلی آشکار بر زندگی شهر نیز منعکس شد؛ زیرا موجب همبستگی اجتماعی میان افراد یک محله می‌شد و پیوستگی بناها به یکدیگر همچنین سبب سهولت و افزایش برقراری ارتباط میان افراد یک خانواده می‌شد (Osman 1998, 46).

هم‌چنین وجود بازار در شهرهای سنتی مسلمانان نیز با توجه به موقعیت و جایگاه شهری آن، وجود فضاها و مراکز مهم شهر در امتداد آن و هم‌چنین نقش و منزلت بازاریان در زندگی شهری، سبب می‌شد که بازار تنها در حد یک فضای اقتصادی باقی نماند، بلکه تبدیل به فضایی برای بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی شود (Pourjafar & Mahmoudinejad, 2009).

ب) عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی، ویژگی کلیدی و مظهر حیاتی «امت» است. در اسلام، تعبیر عدالت اجتماعی، مفهومی مطلق محسوب می‌شود نه نسبی. این تعبیر به‌عنوان یک نظام اجتماعی، از این حقیقت نشئت می‌گیرد که خداوند واحد، تمام انسان‌ها را به‌طور بالقوه یکسان و برابر آفریده است. هم‌چنین مهم‌ترین هدفی که پیامبران به‌خاطر آن مبعوث شدند و در طول حیاتشان پیوسته در راستای آن تلاش کردند، دستیابی به عدالت بوده است (Mortada 2007, 49).

«پیتربریج» در تجزیه و تحلیل‌های خود از شهر سنتی بغداد که در قرن ۸ میلادی، توسط خلیفه عباسی، طراحی شد، می‌گوید: محله‌ها بر پایه طبقات اجتماعی تقسیم‌بندی نشده‌اند، هر یک به‌منزله یک بدنه منسجم بوده‌اند که فقیر و غنی کنار یکدیگر با سهمیم بودن در مساجد، چشمه‌ها،

حمام‌های عمومی و بازار زندگی می‌کردند (Michell 2009, 195).

ج) روابط همسایگی: در دین اسلام، آن‌چنان در مورد همسایه سفارش شده که این تصور پیش‌آمده بود که حتی همسایه از همسایه ارث می‌برد. حفظ حقوق همسایه و تلاش برای برقراری روابط محکم همسایگی، از مهم‌ترین موارد توصیه‌شده در اسلام به‌منظور تحقق یک همسایگی اسلامی است (Mortada 2007, 52).

مرتضی - شهرساز اسلامی - بیان می‌کند که مسلمانان ملزم به تلاش فراوان در جهت تقویت روابط همسایگی و حفظ حقوق همسایگان هستند؛ همان‌گونه که در قرآن و سنت آمده است. بر اساس حدیث پیامبر اسلام که تا چهل خانه را همسایه شمرده بودند، عدد چهل نمایانگر محدوده تعداد واحدهای هر بلوک است که در بسیاری از شهرهای سنتی مسلمانان دیده می‌شود (Mortada 2007, 117).

د) عمل به شرایع دینی - اجتماعی: در نگاه قرآنی، تنها ضامن حفظ اجتماع، عمل به شرایع الهی برشمرده شده است. ضمن آن‌که بسیاری از شرایع دینی مانند نماز (جماعت)، جهاد، حج، زکات و غیره در بستر اجتماع معنا می‌دهند و انجام آن‌ها به حفظ و تقویت امت اسلامی منجر خواهد شد.

وجود مسجد در مرکز محله‌ها در شهرهای مسلمانان را می‌توان تجلی لزوم عمل به شرایع دینی (فریضه نماز) در بستر زندگی اجتماعی و تأثیر آن بر روابط اجتماعی در جامعه اسلامی دانست.

ه) نظارت اجتماعی: مهم‌ترین دستور اسلام در راستای تحقق نظارت اجتماعی، «امر به معروف و نهی از منکر» است. جامعه در اسلام، بر مبنای این فریضه، قوام می‌گیرد و این مهم، نه تنها از مسئولیت‌های اجتماعی امت اسلامی است، بلکه از حقوق اجتماعی آن نیز به‌شمار می‌آید (Ahmadi 2009, 6).

در شهرهای مسلمین، بن‌بست‌ها، بازارچه‌ها، میدان و میدانچه‌ها، هر یک در سلسله‌مراتبی از مقیاس‌ها محل تعاملات اجتماعی مردم توأم با نظارت اجتماعی بوده‌اند. عبدالستار عثمان، بیان می‌کند معابر و گذرگاه‌های اختصاصی

که درهای آن به روی غریبه‌ها بسته می‌شد یکی از علل سهولت برقراری ارتباط میان ساکنان یک کوچه به شمار می‌رفت (Osman 1998, 85).

و) رعایت حقوق دیگران: قاعده مهمی در فقه اسلامی به نام «لا ضرر» وجود دارد که به معنی نفی مشروعیت هرگونه ضرر و اضرار در اسلام است. بر این اساس، هیچ فردی در جامعه اسلامی حق ندارد با فعل و گفتار خود، آسیب و ضرری را متوجه سایر افراد جامعه گرداند.

به عقیده «محمد عبدالستار عثمان»، اولین و فراگیرترین قاعده مؤثر بر ساخت شهرهای مسلمانان، قاعده «لا ضرر» است که از پیامبر اسلام نقل شده است. بر اساس این حکم، دود زیان‌آور، بوی نامطبوع و صدای ناهنجار، در صورتی که بیش از حد مجاز بودند، سه نشانه به شمار می‌رفتند که از طریق آن‌ها مردم متضرر می‌شدند. بنابراین دورساختن تأسیسات و صنایع از مناطق مسکونی واجب شد (Osman 1998, 87). در راستای تحقق این اصل اسلامی، محدودیت‌هایی برای شکل ظاهری بناهای شهرهای اسلامی وضع می‌شد که به موجب آن، شکل ظاهری بنا باید به گونه‌ای

بود که موجب آزار رسانیدن به دیگران نمی‌شد. بازار نیز می‌بایستی مزاحمتی برای محله‌های مسکونی ایجاد نمی‌کرد (Okhovvat et al. 2010, 46).

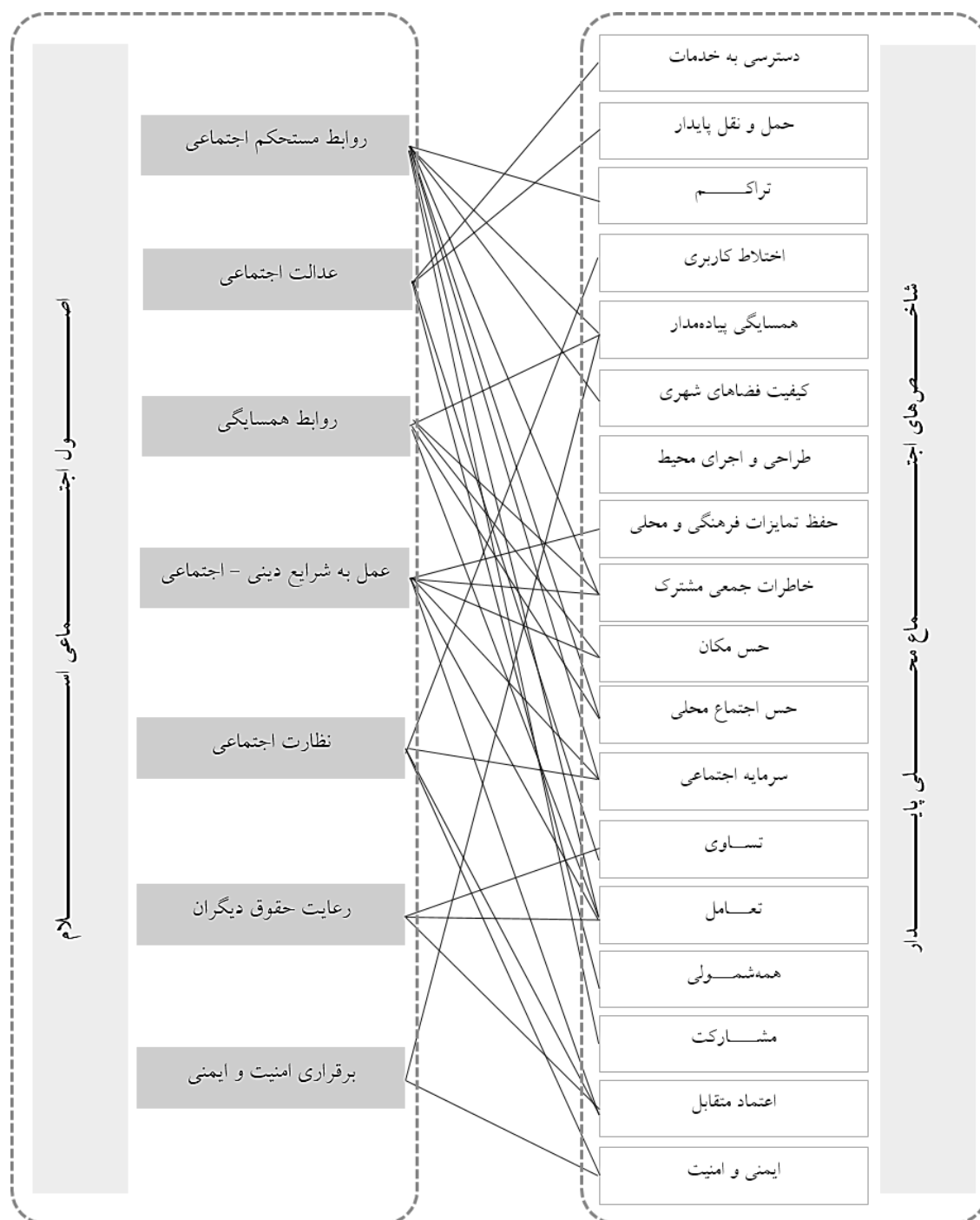
ز) ایمنی و امنیت: در قرآن مجید از امنیت به عنوان یکی از مهم‌ترین صفات یک شهر، یاد شده است. حضرت ابراهیم پس از تجدید بنای کعبه و بنیان نهادن شهر مکه، به عنوان مهم‌ترین ویژگی، از خدا می‌خواهد که این شهر را «امن» قرار بدهد، اصلی که به عنوان پیش شرط برقراری روابط اجتماعی در یک شهر محسوب می‌شود. خلاصه مباحث ارائه شده در این قسمت، در جدول شماره ۲ آمده است.

۳. یافته‌ها، تحلیل و بحث

همان گونه که اشاره شد، تحلیل داده‌ها در این مقاله، به شیوه «استدلال منطقی» انجام می‌شود. به کمک این روش، ابتدا دو رکن مبانی نظری پژوهش یعنی «شاخص‌های اجتماع محلی پایدار» و «اصول اجتماعی اسلام» در تناظر باهم قرار می‌گیرند. به منظور فهم و ارائه بهتر این موضوع، نمودار

جدول ۲: اصول اجتماعی اسلام و تجلی آن در شهرسازی مسلمانان
Table 2: Social principles of Islam and its manifestation in Muslim urbanization

تجلیات فرمی در شهرسازی مسلمانان	اصول اجتماعی اسلام	
وجود محله‌های مشخص و هویت‌مند بافت شهری منسجم، فشرده و به هم پیوسته وجود بازار به عنوان فضای تعامل اجتماعی وجود مسجد به عنوان فضای حضور اجتماعی	روابط مستحکم و تعاملات اجتماعی	۱
دسترسی یکسان به حمام، بازار، چشمه‌ها و...	عدالت اجتماعی	۲
عدد چهل واحد به عنوان اندازه بلوک‌های همسایگی؛ تجلی توجه به روابط همسایگی	روابط همسایگی	۳
مرکزیت مسجد در محله	عمل به شرایع دینی	۴
سلسله مراتب مقیاس فضاهای شهری توأم با نظارت اجتماعی وجود معابر، بن‌بست‌ها و گذرگاه‌های نیمه خصوصی با حداکثر نظارت اجتماعی	نظارت اجتماعی	۵
دور ساختن تأسیسات و صنایع مزاحم از مناطق مسکونی استقرار واحدهای تجاری در راسته صنف مربوط به خود توجه به عدم سایه‌اندازی و اشراف بناها	رعایت حقوق دیگران	۶
بافت شهری منسجم و نفوذناپذیر امکان نظارت اجتماعی و توجه به حریمیت در سلسله مراتب فضاهای عمومی	ایمنی و امنیت	۷



تصویر ۳: تناظر اصول اجتماعی اسلام و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار

Fig. 3: Correspondence between social principles of Islam and the indices of sustainable community

اجتماعی اسلام کم‌وبیش در ارتباط با شاخص‌های اجتماع پایدار قرار دارند. در این میان، اصل «روابط مستحکم» اجتماعی بیشترین میزان تناظر را با شاخص‌های اجتماع پایدار دارد.

در مرحله دوم، یافتن چهارچوبی مفهومی به‌منظور

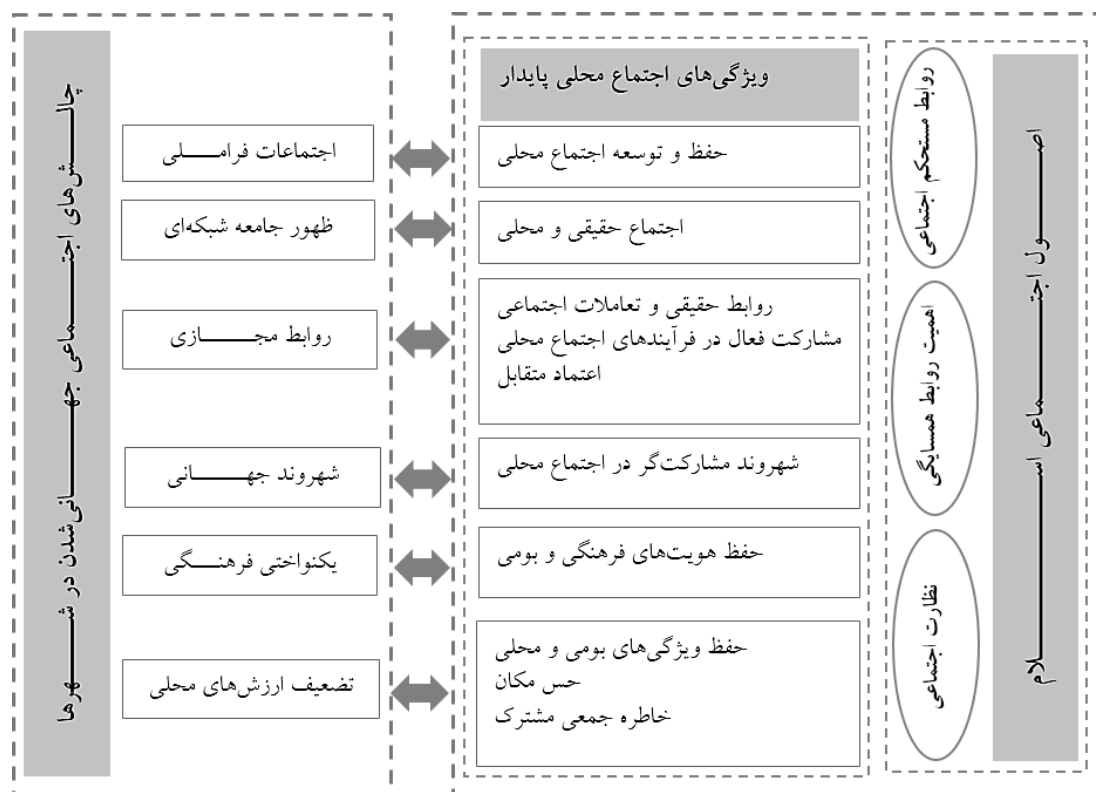
تصویر شماره ۳ ترسیم شد. در این نمودار، هفت اصل اجتماعی اسلام با شاخص‌های اجتماع محلی پایدار که هر دو در مبانی نظری ارائه و جمع‌بندی شدند، در تناظر باهم قرار گرفته‌اند و ارتباط آن‌ها با خطوطی نمایش داده شده است. همان‌گونه که در این تصویر دیده می‌شود، تمام اصول

مصادیق جهانی شدن است که در برخی موارد می تواند به شکل گیری و تقویت اجتماعات با هویت ها و اشتراکات فرهنگی - مذهبی منجر شود. تحقق «امت واحده» به عنوان کلید مفهوم اجتماعی اسلام، در ذیل همین نگاه، می تواند در راستای رویکرد جهانی شدن قرار داشته باشد.

بنابراین نگاه به جهانی شدن تنها از زاویه تهدید، نگاهی سطحی و غیرواقعی است. می توان به چالش های یادشده از زاویه فرصت نگریست و راهبردهای فرصت سازانه برای آن، ارائه کرد.

جدول شماره ۳، بر مبنای نمودار شماره ۴ تنظیم و تدوین شده است. در این جدول، برای مواجهه با هر یک از چالش های اجتماعی شش گانه جهانی شدن، بر اساس اصول متناظر اجتماعی اسلام و شاخص های متناظر اجتماع محلی پایدار، راهبردهای کلی شهرسازی ارائه شده است. در پژوهش های آتی می توان به کمک روش های کمی و میدانی، این راهبردها را اولویت بندی کرد و به راهکارهایی دقیق تر، عملی تر و کاربردی تر ارتقاء داد.

استفاده از اصول اجتماعی اسلام از یک سو و حوزه مفهومی پایداری اجتماعی از سوی دیگر، در مواجهه با چالش های اجتماعی جهانی شدن در شهرها مدنظر بوده است. به این منظور، در فرآیند تحلیل، مهم ترین چالش های اجتماعی جهانی شدن، در تناظر با ویژگی های اجتماع محلی پایدار و اصول اجتماعی اسلام قرار داده شدند. این چالش ها در تقابل با برخی از ویژگی های اجتماع محلی پایدار و نیز اصول اجتماعی اسلام قرار دارند که در نمودار تصویر شماره ۴، این تقابل مشاهده می شود. لازم به یادآوری است که بسیاری از چالش های اجتماعی جهانی شدن جنبه های متناقضی دارند که لزوماً در تضاد با اصول پایداری اجتماعی یا اصول اجتماعی اسلام قرار ندارند و حتی می توانند به تقویت و پررنگ تر شدن این اصول کمک کنند. به عنوان مثال، جهانی شدن اگرچه از یک سو منجر به تضعیف ارزش های بومی و محلی می شود اما از سوی دیگر و در برخی رویکردها منجر به تقویت ویژگی ها و تمایزات محلی و تکثیرهای فرهنگی، در عین تفکر جهانی می شود. از بین رفتن مرزهای سیاسی نیز از دیگر



تصویر ۴: تقابل چالش های اجتماعی جهانی شدن با ویژگی های اجتماع محلی پایدار و اصول اجتماعی اسلام

Fig. 4: Social Challenges of Globalization, Sustainable Community Characteristics and Social Principles of Islam

جدول ۳: توصیه‌ها و راهبردها بر مبنای اصول اجتماعی اسلام و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار

Table 3: Recommendations and strategies based on Islamic social principles and sustainable community indicators

	چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن برای شهر	توصیه‌ها و راهبردها	
		اصل در اجتماع اسلام	شاخص اجتماع محلی پایدار
۱	ظهور جامعه شبکه‌ای	روابط مستحکم اجتماعی نظارت اجتماعی	ارتقاء کیفیت فضاهای شهری در مقیاس محلی و همسایگی
			طراحی فضاهای پیاده‌مدار
			اختلاط کاربری به‌منظور ارتقاء سرزندگی و حضورپذیری فضا
۲	اجتماعات فرا ملی	روابط مستحکم اجتماعی روابط همسایگی نظارت اجتماعی	ارتقاء کیفیت فضاهای شهری در مقیاس محلی و همسایگی
			اختلاط کاربری به‌منظور ارتقاء سرزندگی و حضورپذیری فضا
			تقویت قرارگاه‌های رفتاری برای گروه‌های مختلف استفاده‌کننده
۳	روابط مجازی	روابط همسایگی نظارت اجتماعی	طراحی فضاهای پیاده‌مدار
			ارتقاء کیفیت فضاهای شهری در مقیاس محلی و همسایگی
			تقویت قرارگاه‌های رفتاری برای گروه‌های مختلف استفاده‌کننده
۴	شهروند جهانی	روابط همسایگی نظارت اجتماعی	طراحی فضاهای پیاده‌مدار
			تقویت و تسهیل فرآیندهای مشارکتی در طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت فضاهای محله‌ای
			تقویت قرارگاه‌های رفتاری برای گروه‌های مختلف استفاده‌کننده
۵	یکنواختی فرهنگی	عمل به شرایع دینی- اجتماعی	فرصت‌سازی فضاهای محله‌ای برای احساس تعلق از سوی شهروندان
			توجه به تمایزات بومی - محلی در طراحی فضا
			طراحی فضاهای کوچک‌مقیاس
۶	تضعیف ارزش‌های بومی- محلی	عمل به شرایع دینی- اجتماعی	استقرار کاربری‌های فرهنگی- مذهبی متناسب با روحیه فضا
			استفاده از نمادها و نشانه‌های فرهنگی در طراحی فضا
			توجه به تمایزات بومی - محلی در طراحی فضا
		حفظ تمایزات فرهنگی- محلی حفظ خاطرات جمعی مشترک حس مکان	طراحی فضاهای کوچک‌مقیاس
			حفظ و تقویت عناصر محیطی خاطره‌انگیز
			استقرار کاربری‌های فرهنگی- مذهبی متناسب با روحیه فضا

نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن در شهرها کدام است؟ چگونه می‌توان از اصول اجتماعی اسلام و بروز آن در سنت شهرسازی مسلمانان از یک‌سو و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار به‌منظور مواجهه با چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن در شهرها بهره گرفت؟ ضمن این دو سؤال اصلی، پرسش فرعی دیگری نیز مدنظر بود که: اصول اجتماعی اسلام و اصول یک اجتماع محلی پایدار در چهارچوب مفهومی توسعه پایدار تا چه میزان در

جهانی‌شدن با همه پیامدهای مثبت و منفی خود، برای جوامع شهری، پدیده‌ای ظهوریافته یا در حال ظهور در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک دنیا است. در این نوشتار در پی تبیین نحوه کاربست اصول اجتماعی اسلام و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار به‌منظور مواجهه با چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن در شهرها بودیم. سؤال‌های اصلی پژوهش این بودند که مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی

گرفتند. ضمن طی این فرآیند به منظور پاسخ به پرسش فرعی پژوهش، این دو حوزه مفهومی در تطابق و تناظر با یکدیگر قرار گرفتند. در نمودار ۳، حاصل این تناظر و میزان ارتباط و اشتراک اصول اجتماعی اسلام با شاخص های اجتماع محلی پایدار دیده می شود. طبق این تحلیل، توصیه اسلام به «روابط مستحکم اجتماعی» بیشترین میزان فصل مشترک را با شاخص های اجتماع محلی پایدار دارا است. در نمودار تصویر شماره ۴ و جدول شماره ۳، پرسش دوم پژوهش پاسخ داده شده است. این مقاله، چهارچوبی مفهومی و راهبردی به منظور مواجهه با چالش های اجتماعی جهانی شدن در شهرها با استفاده از اصول اجتماعی متناظر هر یک در اسلام و نیز شاخص های متناظر اجتماع محلی پایدار، به منظور کاربری در طراحی و برنامه ریزی شهری ارائه داده است. در پژوهش های آتی، بیان دقیق این راهبردها به کمک روش های کمی مطالعات موردی و میدانی، قابل پیگیری خواهد بود.

تشابه و اشتراک باهم قرار دارند؟ به منظور پاسخ به این پرسش ها ضمن مرور ادبیات در سه حوزه اصلی مبانی نظری پژوهش یعنی: «جهانی شدن و چالش های اجتماعی آن برای شهر»، «شهرسازی و اجتماع محلی پایدار» و «اصول اجتماعی اسلام و شهرسازی مسلمانان» و با استفاده از روش «تحلیل محتوای کیفی» و «استدلال منطقی»، ابتدا چهارچوبی برای چالش های اجتماعی جهانی شدن تدوین شد؛ بنا بر این چهارچوب نظری و در پاسخ به پرسش اول پژوهش؛ مهم ترین چالش های اجتماعی جهانی شدن برای شهرها را می توان در شش مفهوم «ظهور جامعه شبکه ای»، «اجتماعات فرا ملی»، «روابط مجازی»، «شهروند جهانی»، «یکنواختی فرهنگی» و «تضعیف ارزش های بومی - محلی»، خلاصه کرد. به منظور پاسخ گویی به پرسش دوم، نظرات اندیشمندان در باب اصول و شاخص های یک اجتماع محلی پایدار از یک سو و نیز اصول اجتماعی اسلام و تجلی آن در سنت تاریخی شهرسازی مسلمانان از سوی دیگر، مورد مطالعه قرار

پی نوشت ها

۱. Rhizome Identity: اصطلاحی که توسط ژیل دلوز - فیلسوف فرانسوی - از زیست شناسی وارد فلسفه شده است.

2. Sustainable Community
3. Cosmopolitan
4. Culture of Virtual Reality

فهرست منابع

- احمدی، ظهیر. ۱۳۸۸. مفهوم شناسی امت در قرآن و اجتماع، پژوهش نامه علوم و معارف قرآن کریم (پیام جاویدان) (۱) ۲: ۴۷-۶۸.
- اخوت، هانیه، نینا الماسی فر، و محمدرضا بمانیان. ۱۳۸۹. معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی. تهران: انتشارات هله، طحان.
- ایروتسو، توشی هیکو. ۱۳۸۱. خدا و انسان در قرآن؛ معنی شناسی جهان بینی قرآنی. ترجمه احمد آرام. چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پوراحمد، احمد، مهدی قرخلو، و سیروس موسوی. ۱۳۹۰. بررسی مفاهیم و شاخص های نظریه شهر جهانی. نشریه باغ نظر (۸) ۱۶: ۲۹-۴۲.
- پوراحمد، احمد، و سیروس موسوی. ۱۳۸۹. ماهیت اجتماعی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۲: ۱-۱۱.
- پورجعفر، محمدرضا، و هادی محمودی نژاد. ۱۳۸۸. طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری. تهران: انتشارات هله.
- پیشگاهی فرد، زهرا. ۱۳۸۰. ابعاد جهانی شدن. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی ۱۵۷: ۱۵۵-۱۷۲.
- حکیم، بسیم سلیم. ۱۳۸۱. شهرهای عربی و اسلامی. ترجمه محمدحسین مالکی و عارف اقوامی مقدم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تاملینسون، جان. ۱۳۹۳. جهانی شدن و فرهنگ. ترجمه محسن حکیمی. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- دانشپور، سیدعبدالهادی، مصطفی عباس زادگان، و هومن قهرمانی. ۱۳۹۲. خوانشی از دگرگونی شهر در عصر اطلاعات و جهانی شدن. فصلنامه

معماری و شهرسازی آرمانشهر ۱۱: ۲۲۳-۲۳۸.

شریعتی، علی. ۱۳۷۶. *امت و امامت*. تهران: انتشارات حسینیہ ارشاد.

عثمان، محمد عبدالستار. ۱۳۷۵. *مدینه اسلامی*. ترجمه علی چراغی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

کاستلز، مانوئل. ۱۳۸۲. *عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه شبکه‌ای*. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاک‌با. تهران: طرح نو.

لطیفی، غلامرضا، و طاهره داوودوندی. ۱۳۸۹. تأثیر جهانی‌شدن بر توسعه اجتماعی با تأکید بر شرایط اجتماعی ایران. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی* (۱) ۳: ۱۷۹-۲۰۲.

مرتضی، هشام. ۱۳۸۷. *اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام*. ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.

میشل، جرج. ۱۳۸۸. *معماری جهان اسلام؛ تاریخ و مفهوم اجتماعی آن*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.

واترز، مالکوم. ۱۳۷۹. *جهانی‌شدن*. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

ویستر، فرانک. ۱۳۸۰. *نظریه‌های جامعه اطلاعاتی*. ترجمه اسماعیل فصیحی. تهران: انتشارات قصیده‌سرا.

منابع انگلیسی

- Ahmadi, Z. 2009. The Concept of Ummah in Quran and Society. *Journal of Science and Education of the Holy Quran* 1 (2)47-68. [In Persian]
- Arundel, R, & R. Ronald. 2015. The Role of Urban Form in Sustainability of Community: The Case of Amsterdam. *Environment and Planning B: Planning and Design* (1)44: 33-53.
- Barron L., & Gauntlett E. 2002. *Model of Social Sustainability*. Western Australia Council of Social Services. (WACOSS).
- Bramley, G., Brown, C., Power, S., & Dempsey, N. 2006. *What is Social Sustainability and how do Existing Urban Forms Perform in Nurturing it?* London: UCL University.
- Bramley, G., & S. Power. 2009. Urban form and social sustainability: the role of density and housing type. *Environment and Planning B: Planning and Design* 36: 30-48.
- Bramley, G., Dempsey, N., Power, S., Brown, C. and Watkins, D., 2009. Social sustainability and urban form: evidence from five British cities. *Environment and planning A*, 41(9): 2125-2142.
- Castells, M. 2002. *The Information Age: The Rise of the Network Society*, Translated by Ahmad Aligholian and Afshin Khakbaz, Tehran: Tarh e No Press. [In Persian]
- Chan, E., & G. KL Lee. 2008. Critical Factors for Improving Social Sustainability of Urban Renewal Projects. *Social Indicators Research* (85)2: 243-256.
- Colantonio, Andrea. 2009. Social sustainability: linking research to policy and practice. In: Sustainable development: a challenge for European research. Belgium: Brussels.
- Daneshpour S. A. M. Abbaszadegan, & H. Ghahremani. 2014. A Review of Urban Transformations during Information-Globalization Era. *Armanshahr Architecture and Urban Development Journal* 6(11): 223-238. [In Persian]
- Hakim, Basim Salim. 2002. *Arabic Islamic Cities*. Translated by Aref Aghvami Moghaddam & Mohammad Hosein Malek Ahmadi. Tehran: Printing and Publishing Organization of Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Hemani, Sh., & A. Kumar Das. 2015. Humanising urban development in India: call for a more comprehensive approach to social sustainability in the urban policy and design context. *International Journal of Urban Sustainable Development* (2)8:1-30.
- Hemani, Sh., & A. Kumar Das and Anirban Chowdhury. 2017. Influence of urban forms on social sustainability: A cas of Guwahati, Assam 22: 168-194.
- Hsiu- Fang, Hsieh, & S. E. Shanon. 2005. Three Approaches to Content Analysis. *Qualitativr Health Research* 15(9): 1277-1288.
- Izutsu, T. 2001. *God and Human in Quran*. Translated by Ahmad Aram, Fifth Edition. Tehran: Publication Joint Stock Company. [In Persian]
- Latifi, Gh. & T. Davoodvandi. 2009. The Impact of Globalization on Social Development By Emphasis on Iran's Social Condition. *Social Development and Welfare Planning* 1(3): 179-202. [In Persian]
- Mazumdar, S., V. Learnihan, Th.s Cochrane, & R. Davey. 2017. The Built Environment and Social Capital: A Systematic Review. *Environment and Behavior* (50)2: 119-158.
- Michell, G. 2009. *Architecture of The Islamic World*. Translated by Yaqub Azhand. Tehran: Mola Press. [In Persian]
- Mortad, H. 2007. *Traditional Islamic Principles of Built Environment*. Translated by Abolfazl e Meshkini and Qeumars Habibi. Tehran: Architecture and Urban Studies and Research Center. [In Persian]

- ODPM .2006. *EU Ministerial Informal on Sustainable Communities*. London: European Evidence Review Papers.
- Okhovvat, Hanie, Nina Almasifar and Mohammadreza Bemanain. 2010. *Traditional Architecture and Urban Design in Islamic Countries*, Tehran: Tahan Press. [In Persian]
- Oktay, D. 2009. Urban design for sustainability: A study on the Turkish city. *The International Journal of Sustainable Development and World Ecology* 11: 24-35.
- Osman, M. A. S. 1998. *Islamic City*. Translated by Ali Cheraghi, Tehran: Amirkabir Press. [In Persian]
- Partridge, E. 2005. *Social sustainability': A useful theoretical framework?* In: Australasian Political Science Association Annual Conference. Dunedin. New Zealand.
- Pishgahifar, Z. 2001. The Dimensions of Globalization. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities* (157): 155-172. [In Persian]
- Pourahmad, A., M, Gharakhloo, & S. Mousavi. 2011. A Study of Concepts and Indicators of the Global City Theory, *Bagh-E Nazar* 8 (16): 29-42. [In Persian]
- Pourahmad, A. & S. Mousavi. 2010. The social nature of Islamic city. *Iranian- Islamic City* 1(2):1-11. [In Persian]
- Pourjafar, M., & H. Mahmoudinejad. 2009. *Urban Design and Social Capital in Urban Spaces*. Tehran: Hele Press. [In Persian]
- Shariati, A. 1998. Ummah and Imamah. Tehran: Hoseinie Ershad Press. [In Persian]
- Tabatabaee, S. M. H. 1996. *Tafsir Al-Mizan*, Vol. 4. Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
- Tomlinson, J. 2014. *Globalization and Culture*. Translated by Mohsen Hakimi. Tehran: Iran Cultural Studies. [In Persian]
- Waters, M. 2000. *Globalization*. Translated by Esmaeil Mardani Givi and Siavash Moridi. Tehran: Industrial Management Institute. [In Persian]
- Webster, F. 2001. *Theories of the Information Society*. Translated by Esmaeil Ghadimi, Tehran: Ghasidesara Press. [In Persian]
- Yung, E., H. Kwan, E. Hon Wan Chan, & Y. Xu. 2011. Sustainable Development and the Rehabilitation of a Historic Urban District–Social Sustainability in the Case of Tianzifang in Shanghai. *Sustainable Development* (2)22: 95- 112.